

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: حسنی محلی ، تحلیلگر برجسته و قدیمی سایت المیادین
برگردان: احمد مزارعی
۱۹ اپریل ۲۰۲۳

پس از ۲۰ سال....سوریه بشار اسد: هم قفل و هم کلید



جنب وجوشهای اخیر کشورهای عربی در جهت تماس و هماهنگی با دمشق در زیر شعار «بازگشت سوریه ، به «اغوش عربها» آغاز شده تا بدینوسیله بتوانند ته مانده ابروی ریخته شده خود را بازگردانده اگر چه بعضی از این کشورها همچنان سیاست بازی میکنند

در تاریخ هیجدهم نوامبر سال ۲۰۰۲، که عبد الله گل به نخست وزیری ترکیه انتخاب گردید تصمیم گرفت به یک بازدید منطقه ای دست بزند شاید بتواند با استفاده از امکانات موجود و عملکرد مشترک منطقه ای مانع تجاوز نظامی امریکا به عراق گردد . بیاد میآورم در آنروزها با وی ملاقات نمودم تا درباره اینموضوع با وی بحث کنم که :«دمشق نظر به اهمیت عربی و منطقه ای که دارد بهتر است اولین کشوری باشد که وی از آن بازدید کند». وی این پیشنهاد را پذیرفت و اولین مسافرت وی به دمشق در تاریخ چهارم ژانویه سال ۲۰۰۳، انجام یافت ، اگر چه کشورهای مصر و اردن از این مسافرت متنفر شدند و سپس عربستان نیز به آنها پیوست با وجود اینکه عبد الله گل به عنوان خبیر اقتصادی بمدت هفت سال در بانک اسلامی عربستان کار کرده بود.

در آنزمان اکثریت اعضای نخست وزیری سوریه به ریاست مصطفی میرو، در فرودگاه از عبد الله گل استقبال کرده و من نیز از همراهان وی بودم، ایشان فوراً فرودگاه را برای دیدار با بشار اسد ترک کرده و مورد استقبال وی قرار گرفت ، بشار اسد برای این میهمان خود اهمیت فوق العاده ای قائل شد و به گرمی هر چه تمام تر از وی پذیرائی نمود ، بشار اسد بر این باور بود که رابطه ترکیه برای سوریه و منطقه بسیار اهمیت دارد، بویژه پس از به قدرت رسیدن حزب

عدالت و توسعه در انقاره که سیاست خود را بر شعار «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» قرار داده بود و این هنگامی بود که احمد داود اوغلو مشاور امور خارجی عبدالله گل بود.

و بدین شکل ترکیه دروازه ارتباط با کشورهای عربی و ایران گردید ، بطوریکه در ادامه عبد الله گل ، اردوغان ، داود اغلو و روسای پارلمان و تمامی وزرای ترکیه بیش از یکبار از سوریه دیدار کردند . اگر چه تا کنون کسی یاد اوری نکرده است که یکی از روسای جمهور سابق ترکیه احمد نجدت سزار ، کسی که گوی سبقت را از همگان ربوده و برای اولین بار گفتگوی گرم و انسانی را با دمشق گشود و اولین رئیس جمهور خارجی بود که در ماه جون سال ۲۰۰۰، در تشییع جنازه حافظ اسد حضور یافت.

پس از این تاریخ رابطه ترکیه و سوریه بویژه بعد از ژانویه سال ۲۰۰۳، وارد تغییرات سریعی گردید که منجر به تشکیل جلسات مشترک اعضای نخست وزیری سوریه و ترکیه گردید (دمشق ۲۰۰۹) و انقاره (دسامبر ۲۰۱۰)، و این جلسات درست سه ماه قبل از آنکه به اصطلاح (انقلاب سوریه) بوسیله ترکیه و قطر آغاز شود، و این از لحظه های اول خود در مغایرت کامل با همه قول و قرارها و وعده ها ، و وفاداری های شخصی و رسمی بود که میان انقاره ، قطر و دمشق مبادله شده بود، از این پس سوریه دچار همه آن درد و رنجهای فاجعه باری شد که بعلت نقش ترکیه در بحران سوریه اتفاق افتاد. همگان میدانند که اگر دخالت ترکیه در سوریه (و اموال قطر و عربستان) نبود کشورهای عربی و حتی کشورهای غربی جرات آنرا نداشتند که اینگونه گستاخانه در سوریه دخالت کنند (۹۰۰ کیلومتر مرز ترکیه و سوریه) سوریه در این مرحله مورد بزرگترین تهاجمات بین المللی گردید که نه فقط بیش از یکصد دولت و سازمانهای منطقه ای و بین المللی در آن شرکت داشتند بلکه صدها هزار تروریست از کشورهای بیگانه از طریق مرز ترکیه وارد سوریه شدند. (۱)

حمد بن جاسم وزیر خارجه قطر بیش از یکبار اعتراف نمود که همگان در توطئه بر علیه سوریه دخالت داشتند، وی در بیش از یک مصاحبه توضیح داد که همه چیز از طریق مرز ترکیه انجام میگرفت و ترکیه بهمراهی با عربستان و قطر نقش اساسی در اخراج سوریه از اتحادیه کشورهای عربی داشتند ، در صورتی که اگر سوریه نبود، در سال ۲۰۰۶، در خرطوم پایتخت سودان و در سال ۲۰۰۷ ، در ریاض پایتخت عربستان و در سال ۲۰۱۰، در لیبی ، اتحادیه عرب از اردوغان برای شرکت در کنگره سالانه اعراب دعوت به عمل نمیآورد.

همه اینها بعلت رابطه عمیقی بود که میان انقاره و دمشق برقرار بود و سوریه نه فقط دروازه های خود را بر روی انقاره گشود بلکه دروازه های سایر کشورهای عربی را هم مستقیم و غیر مستقیم بر روی انقاره که در آن دوره تمایلات برادرانه از خود بروز میداد ، گشود این موضعگیری سوریه کافی بود که تبلیغاتی برای این توجهات «برادرانه» تازه سوریه گردد و در اندوره عده ای این عملکرد ترکیه را بخشی از سیاستهای امریکا میدانستند که میخواهد از طریق «حزب عدالت و توسعه» به عنوان حزبی اسلامی معتدل که از طریق دموکراتیک در کشوری اسلامی بر سر کار آمده است ، تبلیغ نموده و نفوذ خود را در منطقه گسترده تر کند

انقاره از این سیاست سوء استفاده کرده و در ادامه بطور مستقیم و یا غیر مستقیم تحت عنوان «بهار عربی» که اکنون آغاز شده بود نفوذ خود را در کشورهای لیبی، صومال ، عراق گسترش داد و در نتیجه نفوذی که در سوریه بدست آورده بود به عنصری مهم در مجموعه سیاستهای منطقه ای و بین المللی چه در بالکان و یا قفقاز و کشورهای آسیای میانه که به جمهوریهای اسلامی دارای اصل ترکی بودند تبدیل شد

از طرفی در همین دوره موقعیت بحرانی کشورهای عربی باعث شد که اردوغان به عنوان رهبر روحی مسلمانان شناخته شده و سازمانها و گروههای اسلامی در خاور میانه جبهه خود را از تبعیت از عربستان به تبعیت از ترکیه منتقل کنند که در نتیجه به تقویت سیاست «خاور میانه بزرگ و جدید امریکا تبدیل گردید

این تغییر جبهه از عربستان به ترکیه موجب خشم عربستان شده و باعث سقوط اخوان المسلمین در مصر و تونس گشت و حتی اخوان المسلمین لیبی نیز در استانه سقوط قرار گرفت که با دخالت نظامی ترکیه نجات یافت، در همین مرحله، امارات، بحرین، قطر و حتی مصر نیز در معرض تهدید و سقوط قرار گرفتند، ماه جون سال ۲۰۱۷ در این مرحله و با گسترش بحران در جبهه اعراب، امریکا طرح «اتحاد ابراهیمی» را مطرح نمود که بر همگان اشکار گردید که سوریه هم قفل و هم کلید مجموعه معادلات موجود منطقه میباشد، بویژه که روسیه هم در ماه سپتامبر (۲)، به نفع سوریه وارد جنگ گردید بود. اما از همه مهمتر ایستادگی ارتش سوریه بود که با کمک ایران و حزب الله لبنان همه معادلات را در منطقه تغییر داده و نشان داده شد که وحشت سرپای رژیم اسرائیل را فرا گرفته و این رژیم در معرض «انقراض قرار دارد. اکنون زمانی است که همه برنامه ها و توطئه های کشورهای عربی نیز با شکست قطعی رو برو شده است.

همه این حوادث کافی بود که کشورهای مرتجع عرب به خطاهای خود پی برده و اگر چه با تاخیر و شرمگینی به خطای خود و شکست در مقابل سوریه اعتراف کنند، اگر چه این اعتراف دیر هنگام برای ملت سوریه بسیار گران تمام شده بود. فعالیت های اخیر کشورهای عربی برای هماهنگی و مذاکره با سوریه تحت عنوان «بازگردادن سوریه به اغوش اعراب»، اگر چه هنوز بعضی از این کشورها با سیاست بازی وقت گذرانی میکنند، همگان بیاد دارند که چگونه «دوحه پایتخت قطر» بمثابة نوک سر نیزه در تجاوز به سوریه به حساب میامد. ترکیه و قطر از سالهای ۲۰۰۳، اصرار زیادی داشتند تا روابطی گسترده و در تمام زمینه ها بویژه با شخص بشار اسد و با سوریه داشته باشند، اما با شروع بهار عربی، اندو کشور تبدیل به بدترین دشمنان سوریه شدند. (۳)

موافقتنامه اخیر ایران و عربستان، پس از مصالحه ترکیه با ابوظبی، ریاض، قاهره و اسرائیل، و همچنین موافقت مصر با «موافقتنامه بین ایران و عربستان»، همگان را قانع نمود که بدون شرکت سوریه، هیچکدام از مشکلات منطقه، نه فقط در یمن، لبنان، عراق، لیبی و صومالی، بلکه در دو جهان اسلامی و عربی، بطور کامل حل نخواهد شد. به زبانی دیگر، همه کوشش های کشورهای عربی در جهت بازگرداندن سوریه، در حقیقت بمثابة کوشش رهبران این کشورها در جهت نجات خود و کشورشان میباشد، زیرا آنها قانع شده اند که بدون سوریه امکان ندارد آنها بتوانند مشکل «خطر ایران»، حزب الله لبنان، انصارالله یمن و همه مبارزان فلسطینی را از خود دور کنند، این حاکمان در گذشته به همه گونه انواع عقب نشینیها و امتیاز دادن و تسلیم شدن در برابر امریکا و اسرائیل تن در دادند ولی مشکلا تشان همچنان پا بر جا ماند.

باید گفت که در تمام زمینه ها و هر گونه قرارداد و یا موافقتنامه ای که میان سوریه و این کشورها امضا شود، با اندکی خجالت به این معنی میباشد که سوریه بر همه آنها پیروز شده است و اگر آنها به هر گونه اصراری بیشتر در این زمینه دست بزنند، معنایش اینست که آنها به ملت خودشان، سوریه، لبنان، یمن و عراق ضربات و زبانه های بیشتری وارد آورده اند.

و در آخر باید گفت که در صورت اصرار اینها در سیاستهای گذشته خود، پایان همه اینها و رژیم اسرائیل که اینها در وابستگی به ان اصرار داشته و مسابقه میدادند حتمی میباشد. سوریه یکبار دیگر ثابت نمود، همچنانکه در گذشته و به کرات اثبات کرده بود که آنها قفل قضیه فلسطین بوده و کلید ان در دست شرافتمندانه ملت فلسطین است و آنها امروز از هر زمان دیگری قدرتمند تر هستند و امتیاز و برتری در اصل این موضوع بعلت مقاومت سوریه و همپیمانان منطقه ای وی میباشد، آنها توانستند با کمک و همبستگی با یکدیگر صدها هزار تروریست جنایتکار و پشتیبانانشان و خیانتکارانی که در این تبهکاریها شرکت داشتند در منطقه و خارج منطقه با شکست رو برو سازند.

ملتهای منطقه به خوبی اینهارا میشناسد و ارزشمندیم که برای یکبار هم که شده به عقلانیت باز گردند و با خود بیشتر از دیگران به صداقت تن در دهند ، ملتهای منطقه فراموش نکرده اند که آنها با ملت سوریه چه کردند ، اما با همه اینها سوریه به همراهی با متحدان خود ثابت کرد که آنها هم قفل و هم کلید میباشند و آنها نیاز به اثبات این موضوع ندارند.

زیر نویس از مترجم:

(۱) نقل و انتقال تروریستهای بین المللی از سراسر جهان به سوریه و با پوشش دیپلوما تیک بوسیله هواپیمائی انر بایجان انجام میگرفت منبع : مرکز مطالعات و مباحث نیمه دولتی سوریه میباشد.

(۲) روسیه فکر دخالت در جنگ سوریه را نداشت و اهمیت استراتژیکی سوریه را به درستی درک نمیکرد، قاسم سلیمانی با مسافرت به مسکو و ملاقات با پوتین و توضیح اهمیت موضوع برای پوتین ، روسیه تصمیم به شرکت در جنگ گرفت اگر چه بسیار دیر شده بود ولی بسیار موثر افتاد

(۳) این مقاله را بخوانید: اردوغان در باتلاق ادلب دست و پا میزند، از کجا شروع شد؟ نوشته : احمد مزارعی، همینجا-

آرشیف مترجم

۱۸ اپریل ۲۰۲۳